

اصلاح تربیت در هندسهٔ صدایی؛ با تأکید بر

چهارگانهٔ مراحل، اهداف، اصول و روشها

محمد رضا شمشیری*

استادیار گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

چکیده

حکمت صدایی، حاوی دیدگاهی نوین دربارهٔ انسان و ابعاد وجودی اوست که میتواند مبنای تبیینهای تربیتی مبتنی بر رویکرد اسلامی باشد. بدین منظور، این جستار در صدد است با شیوهٔ تحلیلی - استنتاجی، ضمن تبیین دیدگاه صدرالمآلهین دربارهٔ تربیت اخلاقی - همراه با توضیح و تبیین اجمالی مقوله‌های مطرح در اینباره، بر اساس نظریات او دربارهٔ نفس، بعنوان مبنای تعلیم و تربیت - به دلالت‌های تربیتی و نتایج بدست آمده با تأکید بر چهار بخش مراحل، اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت پردازد. در اینجا توجه به هدف غایی تربیت اخلاقی یعنی مکاشفهٔ حق و اهداف واسطه‌یی شامل تربیت انسان در مراحل نفس نباتی، حیوانی و انسانی، بررسی تلازم مبنای فلسفی موجود در حکمت متعالیه با اصول تربیتی و نیز پرداختن به روشهای تربیت اخلاقی شامل پرورش قوای حسی، تخیل و عقل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

کلیدواژگان

حکمت متعالیه
اصول و روشها

تعلیم و تربیت
مبنای فلسفی
اهداف واسطه‌یی

۱. درآمد

میتوان گفت تنها راه تحقق انسان حقیقی، تعلیم و تربیت است؛ همانکه خداوند با صفت «رب» عهده‌دار اصلی آن بوده و با خلقت انسان بعنوان اشرف مخلوقات، کمال مطلوب او را همراه با ویژگیهای منحصر بفردی که در وجود او بودیعه نهاده، تعیین نموده است. اما نگاهی به زندگی بشر امروز کافی است تا بتوان دریافت که این موجودی که قرار بوده شرافت خلقتش را با خلیفهٔ الهی رقم زند، چنان در فقدان ارزشهای معنوی و انسانی غوطه‌ور شده که بر اثر قرارگرفتن در تنگنا و استیصال، بناچار و شاید بقصد جبران، تمام همّتش را مصروف زندگی دنیوی سرشار از تمتعات مادی نموده و گاه تا ورطهٔ فراموشی حقیقت وجودی خویش یعنی نفس ناطقه پیش رفته است. دنیای مدرن گرچه در حوزه‌های صنعتی، الکترونیکی، ارتباطی و انواع فناوریهای جدید، پیشرفتهای انکارناپذیری را تجربه میکند اما اینها بجای اینکه انسان را در راه رسیدن به کمال حقیقی خود یاری نماید، روز بروز میان وجود او، اصل و فلسفهٔ آفرینش او فاصله انداخته است. رسیدن انسان به

*.Email: mo_shamshiri@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۵

این مرحله را میتوان به بی سروسامانی وضعیت تعلیم و تربیت او مرتبط دانست که بیرحمانه ریشه‌های اصیل وجود آدمی را به نابودی کشانده و روح او را که در آغاز آفرینش سرشار از روح خدایی و کمال جویی بوده است، ملوث و گمراه ساخته است.

از سوی دیگر در جهان اسلام و در میان دستاوردهای فیلسوفان اسلامی، آموزه‌هایی هست که در آنها سعی در روشن‌سازی حقیقت وجودی انسان شده است. صدرالمآلهین شیرازی از جمله بلند همتانی است که در سایه تفکر، توسل به آیات قرآن و بیانات ائمه اطهار و مهمتر از همه توفیق الهی به حقایق شگفت‌انگیزی در باب ابعاد وجودی انسان دست یافته که میتوان با استفاده از دیدگاهها و بیانات وی و استخراج پیامدهای تربیتی آن، در مسیر تربیت و سبک زندگی انسان تغییراتی ایجاد کرد. از اینرو جستار حاضر با هدف بررسی و عرضه تعلیم و تربیت صدرایی بصورتی نظام‌مند و منسجم و در قالب اجزا و عناصری چون اهداف، مبانی، اصول و روشها صورت پذیرفته است.

۲. مفهوم تربیت

تربیت، گرچه بظاهر مفهومی توصیفی است اما در حقیقت ماهیتی هنجاری و تجویزی دارد. ماهیت هنجاری تربیت از آنجا ناشی میشود که هر نظام تربیتی، برحسب ارزشهای موردنظر خود به تعریف تربیت میپردازد لذا تربیت دارای تعریف واحدی نیست که مورد توافق همگان باشد بلکه تعاریف متعددی وجود دارد که هر یک بنحوی نظام ارزشی معینی را در پس خود پنهان کرده است. موجه بودن هر تعریفی از تربیت، فرع بر موجه بودن ارزشها و هنجارهای بنیادین آن است.^۱ از اینرو ضروری است

در اولین گام و پیش از بیان دلالت‌های تربیتی و بتعبیری برای استنتاج و استنباط بهتر و منسجم‌تر این دلالتها (اهداف، مبانی، اصول و روشها) ابتدا مفهوم تربیت صدرایی بصورتی روشن بیان گردد. بدین منظور توجه به تعریف صدرالمآلهین از فلسفه ضروری و روشنگر است. او فلسفه را اینگونه تعریف کرده است: «بدانکه فلسفه به کمال رساندن نفس انسانی است از طریق شناخت حقایق موجودات، آنچنان که در واقع وجود دارند و حکم به وجود آن حقایق از طریق برهان و نه از طریق گمان و تقلید صرف، بقدر استعداد انسانی و اگر بخواهی میتوانی بگویی فلسفه، نظم بخشیدن به جهان است؛ نظامی عقلی بر اساس استعداد بشری، تا تشبه به خدای خالق برای انسان بدست آید».^۲

بازشناسی و تبیین عناصر اصلی این تعریف، ما را به شناخت مفهوم تربیت نزد ملاصدرا رهنمون میشود. در هندسه معرفتی صدرالمآلهین، کمال، خود بخود حاصل نمیشود. نفس که جزء آگاه بدن است از درون، جوهر حرکت را فراهم میکند و شرایط بیرونی، آمادگی برای حرکت را ایجاد میکنند و این هر دو نیازمند هدایت و تنظیم از سوی نفس برترند. کمال، حاصل نمیشود مگر بمدد تربیت. از سوی دیگر، در بیان ضرورت تربیت میتوان گفت، تربیت نیز همچون سایر پدیده‌ها خود، در مرحله‌یی از وجود خلق شده، پس ضرورت نیز داشته است و به این ترتیب، «امکان» آن نیز بدیهی مینماید. بجز این، چون انسان نیز همچون هر پدیده‌یی قوه و فعل دارد و

۱. باقری، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۹.
 ۲. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۱، ص ۲۳.

تبدیل قوه به فعل در ذات هستی است پس تربیت امکانپذیر میگردد. بدین ترتیب، تربیت عبارتست از پر کردن فاصله وجود، و کمال عبارتست از دخالت نفس (عمل آگاهانه نفس رشد یافته انسان) در فرایند خلق مدام. چنین عملی خود موجب تکامل نفس کنشگر میگردد.^۳

نفس انسانی بر خلاف سایر موجودات طبیعی، نفسی و عقلی که دارای جایگاه و مرتبه‌یی معین در هستی میباشند، فاقد هویت و مرتبه معین است بلکه دارای مراتب و مقامات و درجات و نشئات متفاوتی است. ملاصدرا برای نفس وجوه سه‌گانه حسی، خیالی و عقلانی را در نظر میگیرد و بتبع آن برای ادراک نیز سه نشئه و مرتبه ترسیم مینماید که بر همدیگر ترتب دارند. نخستین و نازلترین مرتبه، ادراک حسی است و مرتبه برتر از آن ادراک خیالی. سومین مرتبه که برترین مرتبه نیز میباشد، ادراک عقلی است. این همان ترتب مراتب عوالم هستی است -عالم ناسوت، ملکوت و جبروت- که در نظام هستی‌شناسی صدرایی همواره مورد توجه بوده است. نفس انسان آنگاه به حقیقت متعالی خود میرسد که به بالاترین مرتبه، یعنی مرتبه عقلانی رسیده باشد.^۴ از سوی دیگر با توجه به مساوقت علم با وجود، تشکیک وجود و ترتب مراتب شدت و ضعف بر آن و بازگشت علم حصولی به علم حضوری (که هر یک را در جای خود بحث و اثبات کرده‌اند) ادراکات در آدمی اینگونه شکل میگیرد که انسان بحکم قاعده اتحاد حاس و محسوس و اتحاد عاقل و معقول و قاعده وحدت علم و وجود، موجودی است آگاه که با ادراک و آگاهی خود در هر نشئه و مرحله وجودی (حسی، خیالی، عقلی) با موجودات آن مرحله متحد میشود. شایان ذکر اینکه هر یک از مراتب ادراک، با مرحله

■ **حقیقت انسان با عقل تحقق می‌یابد و نفس انسانی با آن به کمال میرسد. جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد است که بوسیله عقل نظری راه کمال را بیوید و ذات خویش را به فروغ و جلوه‌هایی از درون ذات و از ناحیه مافوق ذات مشتعل سازد و بوسیله عقل عملی از آفات و ظلمات رهایی یابد.**

♦♦♦♦♦
بالاتر از خود قوام می‌یابد. در نظر ملاصدرا، هر ادراک حسی با ادراک خیالی و هر ادراک خیالی با ادراک عقلی قوام می‌یابد و هیچ ادراکی محقق نمیشود مگر آنکه این ترتب بر آن حاکم باشد.^۵ از دیگر سو، گرچه ادراکهای جزئی توسط حواس یا قوا حاصل میشود اما در نهایت همه قوا و ادراکات حاصله برای آنها، تحت تدبیر نفس بوده و فرمانبردار او هستند و ادراک در تمام مراتب و اقسام در حقیقت برای نفس تحقق می‌یابند نه برای حواس یا اعضا، لذا نفس در همه ادراکات، نقش محوری دارد.

بنظر ملاصدرا، انسان وقتی چیزی را ادراک میکند در واقع سبب بروز یک استعداد و خروج از حالت پنهانی قوه به فعلیت میشود و «فعلیت» برای نفس، همان کمال اوست. از اینرو، نفس انسان با هر ادراک کاملتر میشود و جوهر نفس او بحکم قاعده حرکت جوهری در تکامل خود شتاب میگیرد و بتعبیری «ماده» او «صورت» جدیدی میپذیرد. نفس در سیر

۳. خسرونژاد، «نظریه حرکت جوهری؛ پیامدهای فلسفی و تربیتی»، ص ۹۸.

۴. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ۱۲۴؛ همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۸۵.

۵. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۸، ص ۷۷-۷۶.

کمالی خود از هر مرحله‌یی که میگذرد و به مرحله دیگر وارد میشود، واجد کمالات مرتبه پیشین نیز هست. بتعبیر ملاصدرا که خود مُلهم از قرآن است، نفس در سیر کمالی خود از قانون لبس بعد از لبس پیروی میکند. بدین ترتیب نفس با رسیدن به مرحله نهایی همه لباسها را به تن دارد؛ یعنی واجد تمام کمالات قبلی و به اصطلاح «کلّ القوی» است. بر مبنای قاعده «بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء» قیاسی به این شکل تشکیل میشود: نفس ناطقه در حقیقت ذات خویش، بسیط است؛ هر بسیط الحقیقه‌یی کلّ اشیاء است، پس نفس ناطقه خود، همه نیروهای خویش است^۶. بنابراین نفس بجهت جامعیت نشئات و مقامات، با لاهوتیان، لاهوتی با جبروتیان جبروتی با ملکوتیان، ملکوتی و با ناسوتیان، ناسوتی است و هیچ مرتبه و مقامی او را از نیل و وصول به مقام و مرتبه دیگر باز نخواهد داشت. لذا آدمی با ادراک خود از این جهان مادی و از انتقال ماهیات موجودات خارجی به ذهن و روح خود، در واقع جهانی ذهنی و عقلانی میشود همسان و هماهنگ با جهان مادی و بدین طریق ادراک عقلانی حقایق و اعیان، یعنی فلسفه، تطابق با جهان خارجی است. از اینجا روشن میشود که با افزایش علم و آگاهی، در واقع روح انسانی وجود او رشد میکند و افزایش می‌یابد و وجود انسان در عین داشتن ثبات و هویت واقعی خارجی دائماً در حرکت تکاملی است.

بدین ترتیب میتوان گفت تربیت از منظر ملاصدرا، تلاش مستمر آدمی است برای شناخت خویشتن خویش و عوالم هستی، جهت ارتقاء مرتبه وجودی خود و اتحاد با عالم عقل که همانا تشبه به حضرت حق است. مؤلفه‌های اصلی این تعریف عبارت است از:

— مداومت: که بر فرایند مستمر تربیت و گستره آن از تولد تا مرگ تأکید دارد.

— شناخت: که بر جنبه آگاهی و خواست متری برای تحقق آن صحه میگذارد.

— خودشناسی: که ناظر به جنبه درونی تربیت و نشان از اهمیت آن دارد.

— عوالم هستی: که ناظر به بعد بیرونی تربیت و ناظر به سلسله مراتب عالم هستی است.

— ارتقاء مرتبه وجودی: که بر تدریجی بودن تربیت تأکید و ناظر به حرکت رو به جلو و رشد یابنده آن است.

— اتحاد: که ناظر بر تلاش برای برداشتن شکاف بین نظریه و عمل تربیتی است.

— عالم عقل: که حکایت از جایگاه بلند مرتبه و رفیع تربیت داشته و تأییدی است بر غایتمندی آن.

۳. مراحل تربیت

با توجه به سه مرحله‌یی بودن نفس و مراتب سه‌گانه آن، فعالیت‌های تربیتی نیز بر همین اساس، در سه مرحله تقسیم میشوند. از اینرو مراحل تربیت از دوران جنینی و پیش از تولد یعنی از مرحله نفس نباتی آغاز و در هر مرحله متناسب با شرایط خاص همان مرحله، تدابیر تربیتی اتخاذ میگردد.

۱-۳. دوران پیش از تولد (مرحله نفس نباتی)

نفس در مراحل ابتدایی، جوهری است جسمانی و تا زمانی که جنین در رحم مادر است، در رتبه و درجه نفس نباتی است. در این مرحله، نفس، تابع قوانین حیات بمعنی جسمانی کلمه است. هدف اساسی

۶. ابراهیمی دینانی، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۳.

تربیت در این دوره، رشد جسمانی و تکمیل تغذیه بطور طبیعی است.^۷ رشد جسمانی انسان از لحظه بارورشدن سلول ماده آغاز میشود. در واقع شروع زندگی دنیوی هر فرد، مدتها قبل از تولد اوست و عوامل گوناگونی دوران رشد قبل از تولد او را تحت تأثیر قرار میدهد. این عوامل، وراثتی و محیطی است و هماهنگی این دو عامل، تعیین کننده جهات اصلی رشد انسان در این مقطع است. از اینرو باید به مجموعه عوامل قبل از تولد، از قبیل نحوه انتخاب همسر، زمان ازدواج، زمان تشکیل نطفه و تأثیر عوامل ژنتیکی توجه خاصی داشت.^۸

۲-۳. از تولد تا بلوغ صوری (مرحله نفس حیوانی)

وقتی نفس قوی میشود و بر اثر تابش نور حق به فعلیت میرسد، محسوسات در آن نقش مینندند. این محسوسات که بالقوه معقول و محفوظ در قوه خیالند زمینه تشکیل اولین قضایای معقول را مهیا میکنند.^۹ نخستین چیزی که نفس قصد میکند، بکاربردن اندامهای حسی است که موجب ادراکات حسی میگردد.^{۱۰} در این مرحله، نفس، همرتبه طبیعت و مرتبه آن، مرتبه حس است بطوری که در مرتبه لمس که یکی از مراتب احساس است عین عضو لامسه، در مرتبه شمّ و بوئیدن، عین عضو شامه و در مرتبه چشیدن، عین عضو ذائقه و در سایر مراتب حس، عین همان عضوی است که احساس میکند.^{۱۱}

بدین ترتیب در این مرحله، تربیت صحیح حواس ضرورت می یابد زیرا پایه معرفت ماورای مشهودات حسی در همین مرحله برقرار میشود. هر قدر حواس ظاهر عمل خود را بهتر انجام دهند، معلومات اولیه ذهن بیشتر و دقیقتر بوده و این امر در کمیت و کیفیت اعمال نفسانی و ترکیبات ذهنی تأثیر کلی خواهد

داشت. تربیت حواس باید بگونه‌یی باشد که اعضای حواس قرین صحت و سلامت باشند و وظایفی را که بر عهده دارند، خوب انجام دهند. از طرفی تعبیر و تفسیری که از مشهودات حسی میشود، از خطا برکنار باشد؛ بخصوص زمانیکه حواس قائم مقام یکدیگر شوند، احتمال خطا بیشتر است. حصول این منظور، مستلزم رعایت سه اصل کلی است؛

اول، بهداشت اعضای حواس و بهداشت عمومی بدن.

دوم، محترم داشتن آزادی کودکان.

سوم، راهنمایی طفل و هدایت حواس او به جانب امور مفید و یاری کردن او در توجیه و تعبیر صحیح علاماتی که حواس به او میدهند.

بدینوسیله از بسیاری از اشتباهات، که مشهور به خطای حواسند، اجتناب خواهد شد.^{۱۲}

به زبان روانشناسان معاصر، کودکان در سالهای اولیه زندگی (سه تا شش سال) در مرحله پیش عملیاتی هستند و هنوز توانایی تفکر منطقی را کسب نکرده‌اند (نفس حیوانی) و یا نمیتوانند بروش انتزاعی درباره دنیا و محیط پیرامون خود فکر کنند. این وضعیت، درک و شناخت آنها را محدود میسازد. بنابراین در این مرحله باید مراقب شکلگیری مفاهیم اساسی در کودکان بود تا آنها را بسوی استدلال منطقی هدایت

۷. پاکسرشت، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۳۷۹.

۸. سیف، روانشناسی تربیتی، ص ۱۵۴.

۹. ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص ۲۵۱ - ۲۵۰.

۱۰. همو، اجوبة المسائل، ص ۴۱.

۱۱. مصلح، علم النفس یا روانشناسی صدرالمتألهین، ج ۱، ص ۱۵۴.

۱۲. سیاسی، علم النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت، ص ۱۳۱ - ۱۳۰.

کرد (هدایت به سوی نفس انسانی) و هر چه تجربه‌های کودک و تعامل او با محیط متنوعتر باشد، وضوح و میزان مفاهیمی که در او پرورش می‌یابد بیشتر و وسیعتر خواهد بود. اینگونه مفاهیم، شناخت وی را نسبت به محیط افزایش میدهد و او را برای تفکر منطقی بهتر مجهز میسازد.^{۱۳}

با لحاظ موارد فوق میتوان نتیجه گرفت مبدأ تمام افعال، نفس است که حواس ظاهری و باطنی را برای انجام اهداف خویش بکار میگیرد. همچنین تمامی حواس باطنی نیز زیر نظر نفس فعالیت میکنند که تمامی ادراکات و محسوسات آنها باز به نفس بازگشته و بر آن اثر میگذارد. بر این اساس، هر چه نفس متعالیتر بوده از پرداختن به امور جسمانی و پلیدیها بدور بوده و لطیفتر باشد، اعضا را بیشتر به مثبتگرایی سوق میدهد و بالعکس اگر گرفتار اصلاح و رفع نیازهای جسمانی خود باشد از موطن اصلی خویش باز میماند.

۳-۳. از بلوغ صوری تا بلوغ معنوی (مرحله انسان بالقوه)

پس از اینکه قوه حیوانی از طریق محسوسات و متخیلات به حصول معقولات بالملکه دست یافت، بالطبع برای او زمینه اندیشیدن و استنباط کردن آماده میشود و این مرتبه، اولین کمالی است که برای قوه عاقله حاصل میشود. آنگاه وقتی انسان با تلاش ذهنی تعاریف و قیاسات، حدود و براهین را بکار میگیرد، کمال دیگری بدست می‌آورد که همان ادراکات تصورات و تصدیقات نظری مثل تصور امور غیرمحسوس و تصدیق مسائل ماورای طبیعت است که همان عقل بالفعل است.^{۱۴}

اگر قوه حیوانی - که مبدأ ادراکات و افعال حسی

در انسان است - ریاضت نکشد و فرمانبردار روح نگردد، قوه ناطقه را در اهداف حیوانی خود به خدمت در آورده، گاه آن را بسوی شهوت خود میراند و گاه در راه غضب خویش بکار گیرد که در اینجا اصل و منشأ، قوه متخیله و متوهمه است. اما اگر قوه عاقله او را ریاضت دهد، از تخیلات و توهمات و افعالی که مهیج و محرک شهوت و غضبند بازداشته، آن را آنگونه که عقل عملی اقتضا میکند مجبور نماید تا آنکه بر فرمانبرداری از حق در خدمت او عادت نموده، فرمان او را اجرا و از نهی او باز ایستد، پس دیگر قوای جسمانی که از توابع قوای حیوانی هستند، مطیع قوه حیوانی که فرمانبردار عقل گشته، خواهند بود و از او پیروی میکنند.^{۱۵} اما بالاترین مرتبه کمال نفس، رسیدن به عقل مستفاد است. این کمال برای آدمی در جنبه عقل نظری حاصل نمیشود مگر با گذشتن از خود طبیعی و پیمودن مراتب عقل عملی که عبارت است از تهذیب ظاهر با بکار بردن شریعت الهی و آداب نبوی، تهذیب باطن و تطهیر قلب از اخلاق و ملکات پست و خاطره‌های شیطانی، نورانی نمودن قلب با علوم و معارف حقه ایمانی، پرواز نفس از طبیعت مادی خود و هرگونه توجه را از غیر خدا بریدن و به خدا دوختن؛ این نهایت سیر بشر بسوی خداست.^{۱۶}

ناگفته نماند که مرحله بلوغ صوری تا بلوغ معنوی، مرحله اعتدال و اعتلاست چرا که از لحظه بلوغ به بعد، فرد نسبت به حضور خود در جهان، آگاهی کامل یافته و در او بینشی در قبال آگاهی و مسئولیت

۱۳. کول، آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ص ۱۲ -

۱۳.

۱۴. ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص ۲۵۷ - ۲۵۶.

۱۵. همو، مفاتیح الغیب، ص ۱۰۷۷.

۱۶. همان، ص ۸۶۴.

نسبت به اعمال خویش پدید می‌آید و اعتدال‌گرایی و مجاهدت و تلاش برای اعتلای نفس اهمیت خاص می‌یابد. در این مرحله تربیت او علاوه بر راهنمایی و هدایت مربیان، فعالیت، مسئولیت و اختیار خود متربی را نیز شامل خواهد شد.

بنابراین، تربیت نفس طی مراحلی است که ذکر شد، اگر چه سیر و سلوک نفس پایان نمی‌یابد و لازمهٔ وصول به عقل مستفاد رهایی از عالم ماده است لیکن مراحل تربیتی تا فعلیت یافتن نفس ادامه دارد و پس از آن به علت مفارقت نفس از این دنیا، بینباز از تربیت دنیوی است.

۴. اهداف تربیت

در مباحث فلسفی ثابت شده است که فعل بمعنای اثری که از فاعل صادر میشود - چه ارادی چه غیر ارادی - ممکن نیست بدون هدف و غایت باشد^{۱۷} لذا انسان نیز در فعالیتهای فردی و اجتماعی خویش از داشتن غایت و هدف گریز ندارد^{۱۸}. داشتن هدف بدین معنی است که فعل بگونه‌یی باشد که انجام آن مشتمل بر خیر بوده و همان محرک فاعل در انجام فعل است. این باعث میشود که فاعل، فعل را بی‌عیب و متقن انجام داده و در نتیجه در فعل خود حکیم باشد چرا که اگر هدف نباشد فعل بیهوده و بی اثر میگردد^{۱۹}.

ملاصدرا بر این نکته تأکید دارد که فاعل بالعرض، مستکمل بغیر است و آن غیر که غرض و هدف قرار میگیرد در فاعلهای علمی باید اشرف و اعلی از فاعل باشد تا فعل متصف به حکیمانه بودن شود^{۲۰}. اگر تربیت اخلاقی را صیورورت و تحول انسان از وضع موجود به وضع مطلوب و یا بتعبیر ملاصدرا، صیورورت آدمی از نشئهٔ حسی به نشئهٔ عقلی تلقی کنیم، بدون

تردید این تحول نیازمند به آگاهی از هدف حرکت و یا مجموعه اهدافی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام منزل نهایی آن را مشخص میسازد.

اینک در ادامه به تبیین اهداف تربیتی برگرفته از دیدگاه ملاصدرا دربارهٔ کمال نفس پرداخته در این میان اهداف غایی و اهداف واسطه‌یی مدنظر قرار گرفته است. اهداف غایی مقصد اصلی و پایانی است که قرار است در نظام تعلیم و تربیت بدان رسید اما اهداف واسطه‌یی وسیله‌یی برای رسیدن به اهداف غایی است. از آنجا که تربیت اخلاقی فرایندی مرحله‌یی، تکاملی و مستمر است گذر از یک مرحله و رسیدن به مرحلهٔ بالاتر مستلزم رسیدن به اهداف مرحلهٔ پایینتر است و این خود زمینه‌های لازم برای اهداف بالاتر را فراهم میکند.

۱-۴. اهداف غایی

اهداف تربیت، بالحاظ سیر کمال نفس آدمی، عبارت است از:

۱-۴-۱. مکاشفهٔ وجه حق و معرفت: اولین هدف و کمال مطلوب، شناخت حق است و پیشرفت برای تحصیل آن عبارت است از ترقی نمودن از افعال (توحید افعالی) به صفات (توحید صفاتی) و از آن به ذات (توحید ذاتی) و بالاترین مرتبهٔ آن دانش ذاتست که بیشتر عقلها آن را ادراک نمیکنند^{۲۱}، دومین هدف، شناخت صراط مستقیم و درجات صعود الی الله و کیفیت پیمودن راه او و عدم انحراف از آن، و سومین

۱۷. طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۲.

۱۸. همو، قرآن در اسلام، ص ۸.

۱۹. همو، تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۵۸.

۲۰. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲۱. همو، اسرار الآیات، ص ۴۹-۴۷.

هدف، شناخت معاد است. بر این اساس، مدار زندگی متربی باید حول محور معرفت ذات باری شکل یافته و نظام آموزشی و تربیتی نیز شرایط و مواد آموزشی را بگونه‌یی تدبیر کند که این هدف والا منظور شده و کلیه فعالیتها به این هدف معطوف باشد.

۲-۱-۴. استکمال وجودی و رشد درونی و ذاتی نفس انسان: هدف غایی تربیت هر انسانی، کمال وجودی اوست و بر اساس دیدگاه ملاصدرا، تمامی اعمال و تدابیر تربیتی باید در این جهت و برای رسیدن به این مهم صورت گیرد. بنابر گفته‌های پیشین، انسان موجودی است که وجود او قابلیت رسیدن به کمال حقیقی و در خور وجودش را داراست، بنابراین رشد همه جانبه‌ی قوای درونی و معنوی نفس متربی از جمله مهمترین اهداف تربیتی محسوب میشود.

۳-۱-۴. کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد و اتصال و اتحاد با عقل فعال: در سنجش علوم، احوال و کردارها با یکدیگر در نگاه ظاهری، علوم، مقدمه‌ی احوال و احوال مقدمه‌ی کردارند و بدین جهت کردار از این نظر برتری دارد زیرا هدف آخرین است اما آنان که بینشی نورانی دارند، حرکات و کردار را برای صفات و احوال خواهند و صفات و احوال را برای علوم و معارف^{۲۲}. این مطلب، حاکی از اهمیت و سعه‌ی پرورش عقل نظری و کمال آن در دیدگاه ملاصدرا است.

از نظر ملاصدرا، هدف غایی و غایت نهایی از ایجاد عالم هستی و موجودات محسوس آن، خلقت انسان است و هدف از خلقت انسان، رسیدن وی به مرتبه‌ی عقل مستفاد است؛ یعنی مشاهده‌ی معقولات و اتصال به مرتبه‌ی اعلا‌ی هستی^{۲۳}. بنابراین کمال نفس انسان بر حسب قوه‌ی نظری، معرفت و یقین به حقایق اشیاء و کلیات و مبادی وجودی آنهاست و یکی دیگر از اهدافی که باید در مسیر تربیت حقیقی مدنظر

قرارگیرد، در نظر گرفتن انسان بعنوان موجودی است که میتواند با تمام مراتب وجودی و درجات هستی یکی شده، با عقل فعال اتصال و اتحاد یافته و با رسیدن به اوج کمال خود، فانی در خدا باشد.

۴-۱-۴. درک حضوری حقایق هستی: بعقیده ملاصدرا، هدف نهایی از هر قصد و سیری درک حضوری صورت چیزی است^{۲۴}. انسان کامل که تمام عوالم و مراتب وجودی را سیر نموده و با آنها متحد شده و در واقع فانی در خدا گردیده است، بیشک آگاه به جمیع مراتب و درجات هستی خواهد بود زیرا مصداق حکیمی است که در نتیجه سیر در عوالم هستی و اتحاد با آنها به عالمی عقلی مشابه عالم عینی تبدیل گردیده و این همان چیزی است که غایت نهایی حکمت متعالیه را تشکیل میدهد. از اینرو هدف از تربیت صدرا، مشاهده‌ی عقلی است که علم حاصل از آن علم حضوری است که در مراحل والای سیر استکمالی نفس ظهور می‌یابد. در ابتدای این مسیر بعلت تعلق به بدن و ضعف ادراکات، علم حصولی ضرورت می‌یابد و متربی باید در ابتدا با بهره‌گیری از این علم، بتدریج برای دستیابی به علم حضوری تلاش نموده و با فرا رفتن از مرحله‌ی علم حصولی به درک حضوری عالم آفرینش و مبدأ هستی نائل آید.

۲-۴. اهداف واسطه‌یی

بدون گذشتن از مراتب و درجات مختلف و بدون استعانت از قوا و آلاتی که در نفس بودیعه نهاده شده

۲۲. همو، کسراصنام الجاهلیه، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۲۳. نوروزی، تأثیر تهذیب نفس بر معرفت از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی، ص ۶۱.

۲۴. ملاصدرا، کسراصنام الجاهلیه، ص ۱۶۲.

است، مسیر کمال نفس طی نخواهد شد. هر یک از مراتب نفس بنوبه خود، اعمال و فعالیتها و اهداف ویژه خود را دارا هستند که اگر در هر مرحله به هر دلیلی در به فعلیت رسیدن آنها خللی وارد آید، سیر کمال نفس آدمی نیز در صحت و سلامت کامل طی نخواهد شد و هر آسیبی اعم از آسیب مادی و معنوی میتواند نفس را از راه باز دارد و در همان مرحله متوقفش سازد. بنابراین مراقبت و تربیت صحیح نفوس در هر مرتبه، استفاده درست از قوای آنها در جهت پرورش نفس و فعلیت یافتن هر یک در بالاترین حد فعلیت و در جهت مثبت، باید در اهداف تربیتی نفس انسان مدنظر قرار گیرد. بر این اساس میتوان اهداف تربیتی را در هر یک از مراتب نفس به تفکیک بیان نمود:

۱-۲-۴. هدف تربیت اخلاقی در مرحله نفس

نباتی: نفس در مرحله نباتی از قوانین حیات بمعنی جسمانی کلمه تبعیت میکنند. بنابراین بخشی از قواعد تربیت او را پیش از علمای تعلیم و تربیت، باید دانشمندان زیست شناسی و پزشکان تعیین کنند و هدف اساسی تربیت در این دوره اینست که رشد جسمانی و شرط لازم آن یعنی تغذیه بطور طبیعی و کامل انجام گیرد.^{۲۵} این مرحله، اشاره به موقعیت جنین در رحم مادر دارد؛ جنین که نفس نباتی بالفعل و نفس حیوانی بالقوه است جزئی از جسم و وجود مادر محسوب میشود. بنابراین کیفیات رفتار مادر و حالاتی که او در معرضشان قرار میگیرد جنین را تحت تأثیر قرار میدهد. بر این اساس هدف تربیت اخلاقی تأثیرپذیری جنین از حالات و رفتار مثبت مادر است.

۲-۲-۴. هدف تربیت اخلاقی در مرحله نفس

حیوانی: مشخصه نفس حیوانی حرکت و احساس - اعم از حواس پنجگانه و احساس و درک درونی و

باطنی - است. در این مرحله، نفس حیوانی بالفعل و نفس انسانی بالقوه است. بنابراین اولین هدف در این مرحله، که از تولد تا پانزده سالگی را در بر میگیرد پرورش حواس و بکارگیری صحیح آنها در مواجهه با عالم هستی است. البته درست است که حس و حرکت در عالم مادی در این مرتبه از اهمیت بالایی برخوردار است اما نفس آدمی نباید در مرحله نفس حیوانی متوقف شود و چون نفس در این مرتبه، نفس انسانی بالقوه است باید مقدمات رسیدن به نفس انسانی بالفعل در مرتبه نفس حیوانی فراهم گردد. بنا بگفته ملاصدرا هرگاه انسان با حواس ظاهر یا باطن خود چیزی را درک کند، در قلب او نیز که همان نفس ناطقه اوست اثر میگذارد.^{۲۶} بر این اساس کیفیات محسوسات و حرکات متربی در این مرحله نفس او را که نفس انسانی بالقوه است، تحت تأثیر قرار میدهد. مقصود و هدف مهمتر در این مرحله، ایجاد مقدماتی برای فعلیت یافتن عقل بالفعل است که بتدریج باید آموزش رعایت حد اعتدال در قوای علم، غضب و شهوت - که از قوای نفس حیوانی است - انجام گیرد.

۳-۲-۴. هدف تربیت اخلاقی در مرحله نفس

انسانی بالقوه: توصیه ملاصدرا اینست که در نفس و افعال آن تدبر شود. وی شناخت نفس را سرآغاز و اصل معرفتهای دیگر میداند. از اینرو شناخت نفس، مادر حکمت و اصل سعادت است و بر این اساس یکی از اهداف تربیتی که باید به آن توجه کرد، اهمیت شناخت نفس در متربی است. مهیا نمودن

۲۵. پاک سرشت، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲۶. ملاصدرا، الشواهد الربوبية، ترجمة جواد مصلح، ص ۲۹۴ - ۲۹۲.

■ از نظر ملاصدرا،

هدف غایی و غایت نهایی از ایجاد
عالم هستی و موجودات محسوس
آن، خلقت انسان است و هدف از
خلقت انسان، رسیدن وی به مرتبه^۴
عقل مستفاد است؛ یعنی مشاهده^۵
معقولات و اتصال به مرتبه
اعلای هستی.^۶

زمینه‌هایی برای افزایش آگاهی نسبت به این موضوع
اهمیت بسیاری دارد.

بنابر نظر ملاصدرا، نفس انسانی این قابلیت را
دارد که با اتحاد با عالم آفرینش، نسبت به آن علم
حضوری داشته و با آن یکی شود؛ علم به مجردات
پیدا کند و معرفت به خداوند که بالاترین شناخت
است، برای او حاصل گردد. این نوع معرفت و
شناخت، تنها در شرایطی امکانپذیر است که مرتبی
با درون‌نگری و آگاهی کامل از نفس خویشتن به
حقیقت وجودی خویش پی ببرد و بدنبال آن به
ارزشمندترین و متعالیترین معارف دست یابد.

۴-۲-۴. پرورش بعد عقلانی در مرتبی: از جمله
اهداف دیگر در تربیت، وصول به مرتبه^۷ عقل بالفعل
است. سعادت حقیقی انسان در این مرتبه از عقل
است؛ سعادت که انسان بواسطه^۸ آن، بالفعل دارای
حیات می‌گردد؛ حیاتی که در آن نیازی به ماده نیست
و این نوع حیات که بینا از ماده است، معلول اینست
که نفس انسانی جزء اموری شده باشد که تا به ابد از
مواد جدا گشته‌اند^۹. مقدمه^{۱۰} ورود به مرتبه^{۱۱} عقل
بالفعل، پرورش بعد عقلانی است. پس هر کس که
قوة تعقل در او قویتر باشد، کاملتر خواهد بود. بر این
اساس اهمیت نقش عقل در سیر کمال نفس، غیرقابل
انکار است و هرگز نمیتوان در اتخاذ اهداف تربیتی از

آن غافل شد.

۵-۲-۴. پیوند میان حکمت نظری و عملی: کمال
متربی در گرو کمال قوای علمی و عملی نفس اوست.
کمال برای آدمی، از جانب عقل نظری بتنهایی حاصل
نمیشود و نیاز به گذشتن از خود و پیمودن مراتب
عقل عملی دارد. انسان کمالات و نقایص را با عقل
نظری تشخیص میدهد و با عقل عملی حکم میکند
که این فعل شایسته انجام یا ترک است^{۱۲}.

بنابراین، عقل نظری برای کنترل و جهتدهی عقل
عملی و اعمال و رفتار نفس ضروری است. همچنین
با به کمال رساندن عقل عملی، یعنی رعایت حد
اعتدال در افعال عملی، عقل نظری نیز به کمال رسیده
و بدین صورت پیوند عمیق میان عقل نظری و عقل
عملی تضمین‌کننده کمال نهایی انسان خواهد بود.

۶-۲-۴. قطع علاقه از عالم مادی: چون انسان
متشکل از قوای نباتی، حیوانی و انسانی است، هر
یک از این قوا افعال و اموری را طلب میکند و در
صدور هر فعلی ابتدا آدمی در تخیل خود از آن
تصوری پیدا میکند. حال اگر آن تصور در خارج،
مطابق طبع یکی از قوا باشد آدمی بدان شوق پیدا
میکند و آن را در خارج با قوای محرکه اش محقق
میکند. اگر اعمال یکی از آن قوا در انسان غلبه داشته
باشد، قوه^{۱۳} خیالی او معطوف به آن قوه خواهد بود.
بدین لحاظ، انسانی میتواند به مشاهده^{۱۴} عوالم خیالی
و عقلی نائل شود که خود را از امور دنیوی و محسوس
رهانیده باشد و از اینرو آنچه مانع می‌گردد که انسان
نتواند حقایق عقلانی و خیالی را مشاهده نماید،

۲۷. نوروزی، تأثیر تهذیب نفس بر معرفت از دیدگاه ملاصدرا
و ابن عربی، ص ۵۰.
۲۸. ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية،
ص ۲۴۱-۲۴۰.

چیزی جز اسباب و موانع ناشی از توجه به علایق حیوانی نیست. انسان میتواند با اجتناب از امیال نفسانی خود، این مانع را بر طرف سازد تا عقل و خیال او آینه‌یی باشد که حقایق عقلی و خیالی را در خود منعکس کند. ملاصدرا در اینباره میگوید:

چون نفس انسانی از خواسته‌های بدنی چشم پوشید و از سرگرمی‌های آنچه که در تحت آن پیروی شهوت، خشم، حس و تخیل است روی گردانید و روی دل را بسوی صفحه عالم ملکوت اعلی نمود، به نیکبختی و سعادت بزرگ راه یافته و شگفتی‌های جهان ملکوت و آیات با عظمت الهی را مشاهده خواهد نمود.^{۲۹}

۵. اصول تربیت

اصول تعلیم و تربیت در هر مکتب فلسفی باید‌ها و نبایدهایی را در اینباره تجویز میکند که بعنوان چارچوب راهنمای عمل تربیتی مورد استفاده مریان و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت واقع میشود. اینجاست که میتوان بصراحت گفت بدون فهم و دریافت درست اصول، نمیتوان در امر تعلیم و تربیت موفق شد، چرا که بگفته برخی از تربیت پژوهان، آموزش و پرورش «علم به اصول» است^{۳۰} که بنا به انتظاراتی که از پرورش دهنده و دستگاه پرورشی می‌رود قابل استخراج است^{۳۱} و به این اعتبار میتوان اصول را کشف کرد و نه وضع.

از آنجاکه در این جستار، اصول تربیت بنابر دیدگاه ملاصدرای شیرازی مدنظر است، در ادامه به نکاتی توجه خواهد شد که بر آمده از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مطرح در حکمت متعالیه است. برخی از مبانی حکمی و فلسفی موجود در حکمت متعالیه که میتوان آنها را مبنای مباحث ملاصدرا در

باب تربیت دانست، عبارتند از: طرد ثنویت نفس و جسم، مساوقت علم با وجود، وحدت تشکیکی علم، مجرد شناخت، طرد حصر علم در علم تجربی، مطابقت علم با واقع، اکتشافی بودن، ابداعی بودن و ثبات علم و حرکت جوهری که هر یک از این موارد در جای خود بتفصیل طرح و اثبات شده است. باری، در ادامه با توجه به مبانی فوق الذکر به استنتاج اصول ناظر بر آنها میپردازیم.

۱-۵. اصول تربیتی اخلاقی مبتنی بر نظریه حرکت

جوهری

بنابر نظریه حرکت جوهری، نفس انسان بسان هر پدیده‌یی دارای قوه و فعل بوده و تبدیل قوه به فعل در ذات هستی اوست. نفس برای از قوه به فعل درآمدن، نیازمند تربیت است چرا که انسان محقق نخواهد شد مگر در سایه تعلیم و تربیت^{۳۲}.

نظریه حرکت جوهری، مبنای بسیاری از اصول تربیتی در این بخش خواهد بود:

۱-۱-۵. روند تربیت اخلاقی از ادراک معلومات

به ادراک مجهولات: یکی از ویژگی‌های انحصاری انسان، احضار معانی مجرد از مواد حسی است به مجرد تمام و رسیدن به شناخت مجهولات عقلی از راه معلومات، بواسطه فکر و اندیشه^{۳۳}. بر این اساس، مربی همواره باید تربیت اخلاقی را از معلومات آغاز کرده سپس با استفاده از روشهای خاص تربیتی،

۲۹. همو، مفاتیح الغیب، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۳۰. رفیعی، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۱۳۳.

۳۱. هوشیار، اصول آموزش و پرورش، ج ۱، ص ۴۷.

۳۲. جوادی آملی، شرح حکمت متعالیه، ج ۱، ص ۳۷.

۳۳. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، ص ۵۵۸-۵۵۷.

متربی را در شناخت مجهولات یاری رساند. مسلماً بدون بهره‌گیری از معلومات اولیه، کشف مجهولات برای فرد امکانپذیر نخواهد بود.

۲-۱-۵. اصل تغییر، اصلاح و بازآفرینی: حرکت جوهری این اجازه را به انسان می‌دهد تا در هر لحظه به بازآفرینی وجود خویش دست زده، مسیر اشتباه گذشته را تغییر دهد، چرا که نفس مدام در حال نو شدن و ساخته شدن است. نظام تربیتی با در نظر داشتن اصل تغییر، اصلاح و بازآفرینی باید ذهن متربی را از هرگونه جمود و رخوت بازداشته و این تصور را در وی بوجود آورد که هر لحظه برای وی امکان تغییر و اصلاح آموخته‌ها و تجربیات پیشین وجود دارد. بدین صورت برای نفس آدمی رویارویی با موضوعات و پدیده‌های نو، تغییر تجربیات پیشین و همخوان شدن با تجربیات جدید امکانپذیر است، چرا که انسان موجود خلاق است که می‌تواند وجود خود را متحول سازد.

۳-۱-۵. اصل تغییر شرایط برای اصلاح: تحول‌پذیری انسان عموماً از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی، مکانی یا اجتماعی بوجود می‌آید. این اصل، گویای آنست که برای زدودن پاره‌یی از حالات و رفتارهای نامطلوب و ایجاد حالات مطلوب و آماده سازی انسان برای شدن و تحول، باید بعضاً به تغییر دادن شرایط محیطی پرداخت و بستر و زمینه را برای ایجاد تحول آماده نمود زیرا برای تغییر حالات، تغییر ناگهانی و مستقیم بصورت تهاجمی همیشه پاسخگو نیست^{۳۴}. بنابراین، اصلاح شرایط و محیط از اصولی است که همواره باید مورد مذاقه قرار گیرد.

۴-۱-۵. پیوستگی یا استمرار تربیت اخلاقی: بر اساس حرکت جوهری، هر پدیده مادی در ذات و جوهر خود دگرگون شونده است و وجود آن در هر

لحظه غیر از وجود آن در لحظه دیگر است و فعل خلق دائم از سوی ذات مطلق الهی بیوقفه افاضه می‌شود. پیوستگی و استمرار امر تربیت از این اصل مهم ناشی می‌شود و هر عملی اعم از جوارحی یا جوانحی بستر عمل بعدی را فراهم می‌سازد. گذر از یک مرحله، قوه لازم برای فعلیت آتی را در تربیت فرد بدنبال دارد^{۳۵}.

بنابراین نظام تربیت اخلاقی نیز نباید در یک مرحله متوقف شود بلکه باید تمامی لحظه‌های عمر آدمی را در برگیرد نه اینکه محدود به دوره خاصی گردد. پیوسته بودن مراحل تکوین نفس، همچنین مرحله بمرحله بودن آن، ضرورت تربیت اخلاقی پلکانی و متناسب با هر مرحله را ایجاب می‌کند.

۵-۱-۵. سیر تدریجی و متوالی بودن تربیت اخلاقی: از نظر ملاصدرا، فعل و قوه با هم حرکت میکنند و درجات کمال را می‌پیمایند و در مراتب کمال، دگرگونی و تحول می‌یابند. در برابر هر استعدادی فعلیت ویژه‌یی است و در مقابل هر بدنی، نفسی معین. از محالات است که نفسی که درجات نباتی و حیوانی را گذرانیده دوباره به مرحله قبل بازگردد. جنین نیز تا هنگامیکه در رحم است صورتش از درجه نفس نباتی تجاوز نمی‌نماید^{۳۶}. بر این اساس، هر یک از مراحل شکلگیری نفس، ساحت و عملکرد خاص خود را دارد و فرد نمیتواند بدون طی مرحله پیشین به مرحله بعدی وارد شود. بازگشت به مراحل پیشین نیز امکانپذیر نیست. با توجه به اینکه نفس

۳۴. خسرونژاد، «نظریه حرکت جوهری؛ پیامدهای فلسفی و تربیتی»، ص ۱۰۳.

۳۵. همان، ص ۱۰۷.

۳۶. ملاصدرا، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص ۲۷۸-۲۷۷؛ همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۸، ص ۱۵۷-۱۵۶.

برای رسیدن به کمال، از آغاز پیدایش خود مراحل را پشت سر میگذارد و قوای هر موجود در نفس نباتی، حیوانی و انسانی نیز بتدریج ظهور می یابد، تربیت آنها نیز باید بصورت تدریجی و مرحله بمرحله صورت گیرد و در هر مرحله نیز برنامه های متناسب با همان مرحله تدبیر گردد.

۲-۵. اصل تربیت اخلاقی مبتنی بر اصالت وجود

با توجه به نظر ملاصدرا درباره اصالت وجود و حرکت جوهری نفس، وجود و ماهیت انسان امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست بلکه همچون امری متحرک و سیال در نظر گرفته میشود. او انسان را در فرایند تکوین نفس، موجودی مختار و آزاد میداند. بر این اساس فقط انسان است که در هیچ مرحله بی محبوس نمیشود بلکه میتواند از مراتب گوناگون گذر کند و آزادی حرکت را در تمام مراحل تکامل خویش داشته باشد^{۳۷}.

با توجه به دیدگاه ملاصدرا که آزادی نفس را عدم فرمانبرداری از بدن و امور جسمانی و شهوات میداند و معتقد است شهوات، اسارت و بندگی می آورد، در اینصورت، هرچه علاقه و وابستگی نفس به امور دنیوی و جسمانی کمتر باشد و علاقه اش به امور عقلانی بیشتر، آزادی و اختیار بیشتری دارد. بنابراین، او نه تنها انسان را موجودی آزاد و مختار میداند بلکه این آزادی را آزادی عقل معرفی میکند. لذاست که انسان نه تنها موجودی کنترل شده از سوی محیط نیست بلکه او موجودی خودآفرین در وجود خود است.

بنابر آنچه گفته شد، نظام تربیتی موظف است با تدابیر خاص، انتخاب آگاهانه و خودآفرینی را در مرتبه تقویت کرده و شرایط تربیتی صحیح، مبتنی بر

آزادی برای مرتبه فراهم نماید. با توجه به این مطلب، تربیتی مطلوبتر خواهد بود که آزادی را در معنای فوق الذکر برای مرتبه به ارمغان آورد یعنی به او کمک کند که در سایه تعقل، از قید و بندها و شهوات رهایی یابد.

۳-۵. اصول تربیتی مبتنی بر رابطه نفس و بدن

یکی از پیامدهای جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن نفس، رابطه اتحادی و عمیق میان نفس و بدن است که در نظر گرفتن این مهم، میتواند در تدوین اصول آموزشی و پرورشی مورد استعمال قرار گیرد.

۱-۳-۵. اصل پرورش توأمان جسم و نفس: آدمی

در حرکت جوهری خود از منازل و مراتب گوناگونی باید عبور کند. در سیر به سوی کمال، دنیا نخستین منزل است و از اینرو گذر از آن و پذیرش ملزومات آن امری ضروری است. با توجه به جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن نفس انسان، جسم به مرحله روحانیت میرسد و رابطه اتحادی بین جسم و نفس سبب میشود که در امر تربیت، پرورش جسم و نفس به همراه هم صورت گیرد و این امر را مریان هرگز نباید از نظر دور دارند زیرا تربیت یک بعد و غفلت از تربیت بعد دیگر، نوعی نقص در امر تربیت ببار می آورد.

بنابراین توجه به بیگانگی ذاتی نفس و جسم، جهت کلی یک نظام تربیت را در رویکرد آموزشی و پرورشی بطور وسیع متأثر میسازد. در تبیین صدرایی از رابطه نفس و جسم، بدن خاستگاه و مرکب نفس معرفی شده است. بنابراین تا جسم سالم نباشد و به رشد کافی نرسد و نیازهای مادی انسان که از ضروریات زندگی اوست برطرف نشود، هرگز نفس نمیتواند به

۳۷. همو، تفسیر القرآن الکریم: تفسیر آیه الکرسی وآیه النور،

ص ۲۴۲.

کمال نهایی خود برسد. تعلیم و تربیت باید در تمامی مراحل، اعم از مرحله پیش از تولد، پس از تولد و مرحله نفس حیوانی و انسانی هم به پرورش بعد روحانی انسان بپردازد و هم به جنبه جسمانی او. پس، هم زندگی اخروی و فرا مادی انسان مدنظر است و هم زندگانی دنیوی و مادی او. لذا آدمی میتواند با عاداتهای صحیح و مهم شمردن ارتباط بین نفس و جسم، سلامت جسمی و روحی خود را تأمین نماید.

۲-۳-۵. تأثیر متقابل ظاهر و باطن و ضرورت ایجاد تحول در ظاهر و تهذیب باطن: ملاصدرای شیرازی نخستین مرتبه از مراتب عقل عملی را تهذیب ظاهر یا بکار بردن شریعت الهی و آداب نبوی دانسته است. بر این اساس با توجه به ارتباط اتحادی میان نفس و بدن میتوان از تأثیر و نقش آفرینی افعال بدنی و حالات ظاهری بدن در نفس سخن گفت. از منظر وی، مبدأ پیدایش احوال نیکو در انسان، کارهای نیکویی است که از او سر میزند؛ همچنان که سرچشمه صفات نکوهیده کارهای زشت اوست. پس آنچه از نیکی یا زشتی از انسان سرزند اعم از گفتار یا کردار و یا اندیشه - در احوال قلب وی اثر میگذارد^{۳۸}.

فایده اصلاح عمل، اصلاح قلب است و نتیجه اصلاح قلب، کشف حقایق. ملاصدرا بر این اساس اعمال و آداب شرعی را بعنوان عوامل تزکیه مطرح کرده و معتقد است که اعمال شرعی اعم از واجب و مستحب به تزکیه نفس بر میگردد که در حقیقت عبارتند از: رفع موانع و حجابها. بنابراین، فایده کلی عمل در نظر وی، تطهیر و تهذیب است. او در واقع دو نوع اثر برای اعمال ذکر کرده است: یکی اثر ظلمانی و دیگری اثر نورانی. اعمال زشت اثر ظلمانی و اعمال نیک آثار نورانی بجای میگذارد. از سوی دیگر با توجه

به دومین مرتبه از مراتب عقل عملی، تهذیب باطن و تطهیر قلب از اخلاق پست ضرورت می یابد. لذا چنان که ظاهر و اعراض بر باطن تأثیر میگذارد، باطن نیز در ظاهر به ایفای نقش میپردازد.

۴-۵. اصول مبتنی بر وحدت نفس و تشکیک وجود

۱-۴-۵. جامعیت: وحدت ذاتی نفس و وجود مراتب برای آن، ایجاب میکند که نظام تربیتی مبتنی بر آن نیز، جامع و فراگیر باشد، بگونه‌یی که حس، خیال و عقل انسان را در برگیرد و ناظر بر تمام قوای نفس باشد. حس، وهم و عقل باید در تعادل و همکاری با هم باشند. آموختن صرف علوم، بدون پرورش اخلاقیات هرگز نمیتواند انسان را به غایت نهاییش برساند، همچنان که تعقل به تنهایی و بدون در نظر گرفتن علم آموزش میسر نیست؛ احساسات و عواطف نیز نباید مغفول بماند. بدین ترتیب تربیت اخلاقی باید بگونه‌یی باشد که تمام جنبه‌های وجودی انسان همگام و هماهنگ با یکدیگر دستخوش تغییر و تحول گردد و به تعالی برسد.

۲-۴-۵. تناسب: بر اساس قاعده تشکیک وجود، روشن است که برای نفس - علاوه بر تجرد - بطور کلی مقامات و مراتبی طبیعی است که هر یک از آن مراتب مناسب و در خور مزاجی مخصوص، وجودی مشخص و سن معینی از جنینی و کودکی و بچگی و بلوغ و جوانی و پیری و سالخوردگی و مرگ و برانگیختن میباشد^{۳۹}. بدین ترتیب باید برنامه‌های تربیتی را متناسب با هر یک از این مراحل و اقتضائات آن مرحله، تدارک دید و نحوه برخورد با مسائل و تعبیر و تفسیر آنها نیز به اشکال مختلف و به تناسب صورت گیرد؛ بگونه‌یی که هیچیک

۳۸. همو، کسراصنام الجاهلیة، ص ۷۹ - ۷۷.

۳۹. همو، اسرار الآیات، ص ۲۳۳ - ۲۳۱ و ص ۳۱۱.

از این مراحل دچار خلل نشده و مشخصات همان مرحله بصورت متعالی انجام پذیرد.

۵-۵. اصل مبتنی بر مردود بودن تناسخ

بحث تفاوت‌های فردی را میتوان از نظریهٔ مردود بودن تناسخ - به‌مراه نظریهٔ تشکیک وجود - استنباط کرد. بنابر نظر ملاصدرا اصل تناسخ مردود بوده و هر نفس فقط با ویژگی‌های یک بدن سازگار است. از اینرو از نظر جوهری، هر فرد، فرد خاص است و در نتیجه، تحقق خویشتن نه فرایندی واحد برای همهٔ آدمیان بلکه فرایندی ویژه برای هر فرد خاص است. بنابراین در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در تربیت اخلاقی افراد نکتهٔ مهمی است. در نظر گرفتن ظرفیتهای متفاوت افراد در امر تربیت اخلاقی نیز اهمیت بسیاری دارد که به شدت و ضعف‌های وجودی افراد اشاره دارد. توقع بیش از اندازه و خارج از وسع وجودی از افراد باعث واماندگی آنان و شکست فعالیت تربیتی میگردد.

۵-۶. اصل مبتنی بر این نظریه که کمال نفس در تجرد عقلانی آنست: عقل، دلیلی برتر و نزدیکتر به مطلوب از دلیل نفس دارد زیرا نفس برای حرکت و تدبیر و اراده، به ماده وابسته است اما عقل در به کمال رسیدن، از این وابستگیها دور است و محکمترین دلیل بر مقصود و نزدیکترین راه برای رسیدن به معبود است.^{۴۰}

حقیقت انسان با عقل تحقق می‌یابد و نفس انسانی با آن به کمال میرسد. جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد است که بوسیلهٔ عقل نظری راه کمال را بی‌یابد و ذات خویش را به فروغ و جلوه‌هایی از درون ذات و از ناحیهٔ مافوق ذات مشتعل سازد و بوسیلهٔ عقل عملی از آفات و ظلمات رهایی یابد.^{۴۱} بر این اساس نظام تربیت اخلاقی باید برنامه‌ها، مواد

آموزشی و روشهای آموزشی را بگونه‌ی سازماندهی نماید که به پرورش بعد عقلانی متربی توجه خاص مبذول داشته او را در این مسیر یاری نماید.

۶. روشهای تربیت صدرایی

روش، همانا راه و طریقه‌ی است که میان اصل و هدف امتداد داشته و عمل تربیتی را منظم و موصل به هدف مورد نظر مربی میکند.^{۴۲} بر این اساس، اصول و روشها از یک سنخند و دستورالعملهایی هستند که به ما میگویند برای نیل به مقصد و مقصود چه باید کرد؛ با این تفاوت که اصول، دستورالعملهای کلی و روشها، دستورالعملهای جزئیتری هستند.^{۴۳} حال با توجه به اصول بیان شده در نظام صدرایی، به بیان روشهای تربیتی معطوف بدان اصول پرداخته میشود.

۶-۱. بکارگیری فعال حواس: از دیدگاه ملاصدرا، فعالیت ادراکی نفس از راه حواس آغاز میشود و هر یک از معلومات و معقولات یا بطور مستقیم از راه حس بدست آمده است و یا آنکه جمع شدن ادراکات حسی، ذهن را برای حصول آن معلوم، مستعد کرده است و نفس از ناحیهٔ خود (بالفطره) نمیتواند ادراکی از اشیاء خارجی داشته باشد و آنها را تعقل کند.^{۴۴}

نفس برای وصول به مرحلهٔ درک و شناخت و کسب معانی مجرد از صور خیالی نیاز به حواس داشته و بدون بهره گرفتن از حس و قوای حسی از رسیدن به

۴۰. همو، مفاتیح الغیب، ص ۴۸۱.

۴۱. همو، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص ۲۴۰.

۴۲. هوشیار، اصول آموزش و پرورش، ج ۱، ص ۱۸.

۴۳. باقری، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۴.

۴۴. ابراهیمیان، معرفت شناسی از دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی، ص ۱۸۰.

آگاهی و معرفت عاجز میماند. ادراک حسی اساس مشاهده و درک ذهنی را تشکیل میدهد لذا هر قدر حواس ظاهری عمل خود را بهتر انجام دهند، معلومات اولیه ذهن زیادت و دقیقتر بوده و این امر در کمیت و کیفیت اعمال نفسانی و ترکیبات و ابتکارات ذهن تأثیر کلی خواهد داشت. تربیت صحیح حواس سبب خواهد شد که ادراک جزئیات که خاص مرحله نفس حیوانی است به شرایط مطلوب نزدیکتر شده و افراد در مواجهه با محیط، با عمق بیشتری اندیشیده و عمل نمایند. بنابراین هیچ برنامه آموزشی بی نایب از سلامت حواس و تربیت و بکارگیری صحیح آنها غافل باشد.

۲-۶. پرورش و جهتدهی تخیل و خلاقیت: حس

مشترک و خیال از جمله قوای ادراکی نفس حیوانی است. وظیفه قوه متصرفه یا متخیله ترکیب بعضی از صور با بعضی دیگر است و گاهی تحت نظر قوه واهمه به تجزیه و ترکیب صور محسوسات میپردازد و گاهی تحت نظر عقل برای ترکیب فکر و مقدمات دلیل و تشکیل قیاس بکار میرود. از اینرو تخیل متربی باید طوری هدایت شود که او را از مسیر حقیقت گمراه نکرده و بواسطه افراط، وی را از واقعیت دور ننماید. در این راه، داستان پردازی، پرورش پرسشگری و ایجاد محیطی خلاق برای متربی در تقویت و رشد قوه خیال و تزریق خلاقیت در آن مؤثر است.

۳-۶. پرورش قوای عقلی: بمنظور پرورش قوای

عقلی میتوان روشهای زیر را از مجموع دیدگاههای ملاصدرا استنباط و بیان کرد:

۱-۳-۶. علم آموزی یا کسب دانش: تحصیل

علم و دانش در منظر ملاصدرا جایگاه خاصی دارد. از دیدگاه وی، علم مقدمه‌یی برای تطهیر باطن و زمینه ساز

عمل است. وی معتقد است ندانستن علم و دانش دلیل بر انکار آن علم و بیفایده دانستن آن نیست بلکه صرفاً جهل و نادانی ما را نشان میدهد. از اینرو قرارداد انسان در مسیری که در آن به حکمت دست یابد، ضرورت می یابد. هر کس از علم بیشتری برخوردار باشد در مقام شناخت، امکان بیشتری برای عقل ورزی دارد. از اینرو عقل ورزی در گرو آن است که فرد از علم برخوردار باشد^{۴۵}. این فرایند از رویارویی فرد با دنیا از طریق حواسش آغاز میشود و با اندیشیدن رشد میکند. بر اساس اصل اتحاد عالم و معلوم، علم از وجود و ذات عالم جدا نیست بلکه جزئی از وجود اوست و به همین سبب افزایش علم و ادراکات جدید باعث وسعت دید و آگاهی فرد شده و عقل ورزی را تقویت مینماید و بدین ترتیب نفس تکامل تدریجی می یابد و درجه کمال وجودی او بالا میرود.

عقل از طریق تفکر و خرد ورزی، انسان را در انجام اعمال سنجیده و مفید یاری میکند. از آنجا که عقل برای خرد ورزی، به مواد خام یعنی علم و معرفت نیازمند است، اگر انسان تمام تلاشهای شناختی خویش را بمنظور محفوظ ماندن از کجروی در اندیشه بنحوی تحت نظارت درآورد، به شناخت و بازشناسی امر مورد نظر راه، و به خرد ورزی در مقام شناخت دست یافته است.

۲-۳-۶. تزکیه یا تهذیب نفس: بدون تربیت

علمی و انسانی، طبع آدمی همواره به طرف نیازهای غریزی تمایل دارد. کششها و کشمکشهای نفسانی، توازن عقل را بر هم میزند و عقل را در حیطه نظر و اندیشه و در حیطه عمل و کردار به خطا میرانند. از اینرو بخشی از روشهای تربیتی باید به مهار طغیانهای نفسانی اختصاص یابد^{۴۶}. تهذیب نفس، مجموعه‌یی

۴۵. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۲۰۷.

۴۶. همان، ص ۲۰۵.

■ تربیت

از منظر ملاصدرا،

تلاش مستمر آدمی است برای
شناخت خویشتن خویش و عوالم
هستی، جهت ارتقاء مرتبه وجودی
خود و اتحاد با عالم عقل که همانا
تشبه به حضرت حق
است.

عقاید و گرایشهایی که بیشتر مردمان فقط از راه تقلید و یا گفتگوهای مجادله آمیز - که متعصبین به روشهای مختلف نوشته و به آنان القاء نموده‌اند - بدست آورده‌اند، بزرگترین حجاب و پرده است.^{۴۵} از اینرو، دست کشیدن از چنین عقایدی مستلزم مجاهدت است که با توجه به قوای نفس حیوانی و انسانی معنای ریاضت را نیز شامل می‌گردد.

۱-۲-۳-۶. ریاضت: قوه حیوانی که مبدأ ادراکات و افعال حسی در انسان است اگر ریاضت نکشد و فرمانبردار روح نگردد، قوه ناطقه را در اهداف حیوانی خود بخدمت در می‌آورد اما اگر قوه عاقله او را ریاضت دهد، از تخیلات، توهمات و افعالی که مهیج و محرک شهوت و غضبند بازداشته و آن را بر آن گونه که عقل عملی اقتضا میکند، مجبور مینماید. پس هنگامیکه قوه حیوانی فرمانبردار عقل گشت تمامی قوا از او پیروی مینمایند. ریاضت، نوعی مجاهده و کوشش است بمعنای منع خواسته‌ها و

۴۷. نوروزی، تأثیر تهذیب نفس بر معرفت از دیدگاه ملاصدرا

و ابن عربی، ص ۱.

۴۸. ملاصدرا، کسراصنام الجاهلیة، ص ۳۸ - ۳۵.

۴۹. مشکوة الدینی، تأثیر و مبادی آن یا کلیات فلسفه طبیعی

صدرالدین شیرازی، ص ۱۳.

۵۰. ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۲۲۰.

از اعمال، کوششها و مجاهدتهایی است که خود بنفسه مورد نظر نیست بلکه عامل و ابزاری است برای رفع موانع و حجابهایی که بین انسان و کمال خاص وی قرار می‌گیرد و بشکلهای سلبی و ایجابی تحقق می‌یابد؛ یعنی گاه ترک افعالی موجب تهذیب نفس می‌گردد و گاه انجام افعالی^{۴۶}. ملاصدرای شیرازی در بحث حجابهای میان نفس و حق، گذشته از گم کردن سمت و سوی حق و حقیقت و نواقص نفسانی، مال و مقام، تقلید و معصیت را مد نظر قرار میدهد. در این راه و برای از میان رفتن این حجابها روشهای زیر توصیه شده است:

۱-۲-۳-۶. بخشش و تواضع: اگر نفس، تمام توان خود را در راه طاعتهای بدنی و یا تهیه اسباب زندگی دنیا بکار گیرد و فکر خود را به تأمل در حقایق حق الهی صرف نکند، از حق و حقیقت دور خواهد شد. چون نفس از دیدن عالم حقیقت نابینا شود و امر مبدأ و معادش بر وی نامعلوم گردد، با محسوسات سرگرم و در دریای شهوات غوطه ور میشود و خویش را فراموش میکند. مال و مقام، دلبستگیها و دل مشغولیهای دنیوی را افزایش میدهد لذا به اعتقاد ملاصدرا مال را باید با بخشش از فرد دور نمود مگر در حد نیاز، و چاره مقام، تواضع و دوری جستن از موقعیتهای جاه و مقام است.

۱-۲-۳-۶. مجاهدت: یکی از حجابهای نفس، تقلید بدون تحقیق است که چاره آن مجاهدت است؛ یعنی حقیقت امر را باید بدون تقلید کورکورانه و با مجاهدت نه مجادله بدست آورد^{۴۸}. به اعتقاد او، مرد جوینده حقیقت و عاقل کسی است که شخصاً درصدد تفتیش و تحقیق برآید تا حقیقت برایش آشکار گردیده و بمرتبه وضوح رسیده و هیچگونه شبهه‌یی در دلش باقی نماند^{۴۹}. ملاصدرا معتقد است

خوش آمدها که دو نوع جسمانی و روحانی است؛ ریاضت جسمانی خود بر دو نوع داخلی و خارجی است. قسم اخیر عبارتست از جنگ با دشمنان خدا و ستیز با از دین برگشتگان. ریاضت جسمانی داخلی بر دو دسته است: امانت (دورکردن) و ایتان (حاضر نمودن). امانت، پاک کردن بدن از آزار و پلیدیهای حسی و بر دو نوع مالی و بدنی است. منظور از مالی، دور کردن مال از خزینة دل است در اعمالی چون حج و زکات^{۵۱}. بدنی هم بر دو قسم است: ترک و فعل. ترک، لازم و متعدی دارد چون روزه برای اولی و ترک درد رسانیدن به دیگری، دشنام دادن یا بدگویی برای مورد دوم. فعل نیز بر دو قسم روحی و جسمی است. جسم آن عبارت از حرکات محسوس و سکونات ظاهر و روح آن عبارت است از اخلاص کامل نیت باطنی^{۵۲}.

و اما ریاضت روحانی نیز بر دو نوع تزکیه و تحلیه است. تزکیه، رها شدن از پلیدیهاست^{۵۳}. بگفته ملاصدرا تهذیب نفس به خودی خود مقصود نیست بلکه مقدمه‌یی برای رسیدن به کمالات برتر است، از جمله اینکه معارف حقیقی در باب جلال الهی در ذات و صفات او برای انسان حاصل شود. بنابراین پرداختن به تزکیه و سلوک معنوی بدون کسب دانش و معرفت، چیزی جز وبال نیست چرا که این روند از سلوک موجب میشود خواطر وهمی و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی شدت یابد و سالک را از مسیر الهی و هدایت خارج گرداند.

بنابراین نوع تحلیه تنها به تحصیل فضایل و معارف نظری حاصل میگردد و فایده آن تخلق و خوگرفتن به اخلاق زیبای الهی است^{۵۴}.

۷. جمع‌بندی

این جستار با هدف طرح و پیگیری تربیت صدرایی در

قالب یک نظام و مطالعه آن در قلمرو اجزا و عناصری چون اهداف، مبانی، اصول و روشها صورت گرفت. اگر بتوان چینش و آرایش این اجزا را از سوی ملاصدرا کاشف از ارتباط منطقی آنها با یکدیگر دانست، بنابراین میتوان مدعی پیشنهاد نظام تربیتی بر اساس هندسه صدرایی شد. بر این اساس بخشهای مختلف فلسفه ملاصدرا از جمله هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ماهیتی در هم تنیده داشته و از یکدیگر جدایی ناپذیر است. اصالت وجود، وحدت تشکیکی وجود و حرکت جوهری همانقدر که از اصلترین ویژگیهای هستی‌شناختی نظام فلسفی اوست، زیر بنای مسائل معرفت‌شناختی این نظام نیز محسوب میشود.

ملاصدرا با مساوق دانستن علم با وجود، برای علم نیز حقیقت اشتدادی قائل است. وی با تبیین قاعده جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن نفس اظهار میدارد که نفس بر اساس حرکت جوهری خود و بواسطه آگاهی‌یی که کسب میکند در راه استکمال خود گام مینهد لذا چون علم از سنخ وجود است، وجود آدمی بواسطه کسب آن ارتقا می‌یابد. از سوی دیگر بر مبنای اتحاد عاقل به معقول، این اتحاد که اتحادی وجودی است آنگاه محقق میشود که آن معرفت و آگاهی در جان فرد نشسته باشد لذا صرف دانستن و کسب اطلاعات به اتحاد عاقل به معقول منتج نخواهد شد.

بر این اساس میتوان دلالت‌های تربیتی حکمت صدرایی را ناظر به چهارگانه اهداف، مبانی، اصول و روشها به قرار زیر صورت‌بندی کرد:

۱. هدف، در هر نظام تربیتی از عناصر اصلی آن محسوب شده و بدون آن، جریان پیچیده و دراز مدت^{۵۱}. همان، ص ۱۰۷۸-۱۰۷۷.
۵۲. همان، ص ۱۰۷۹.
۵۳. همان، ص ۱۰۸۲-۱۰۸۱.
۵۴. همان، ص ۱۰۸۳.

تربیت از طی مسیر و نیل به مقصود منحرف شده، مسیر مشخص و جهت‌داری را نخواهد داشت. از اینرو اگر تربیت صدرایی را تلاش بیوقفه آدمی برای شناخت خویشتن خویش و عوالم هستی، جهت ارتقاء وجودی خود و اتحاد با عالم عقل که همانا تشبه به حضرت حق است، بدانیم، در اینصورت این تلاش نیازمند آگاهی از هدفی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام، مقصد و مقصود نهایی آن را مشخص میکند. در این راستا ملاصدرا اهداف غایی تربیت را مکاشفه وجه حق و معرفت، استكمال وجودی و رشد درونی و ذاتی نفس، کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد و درک حضوری حقایق هستی دانسته در این راه بسته به مراتب نفس، هدفهای مرحله‌یی خاصی را بعنوان اهداف واسطه‌یی مطرح نموده است.

۲. از آنجا که مبانی تربیت مشتمل بر علوم و حوزه‌هایی از معرفت است که بواسطه آنها اطلاعات لازم برای تنظیم جریان تربیت بدست می‌آید،

ملاصدرا مبانی نظام تربیتی خود را بر مبنای گزاره‌های معرفتی این نظام آراسته است. طرد ثنویت نفس و جسم، مساوقت علم با وجود، وحدت تشکیکی علم، تجرد شناخت، طرد حصر علم در علم تجربی، مطابقت علم با واقع، اکتشافی بودن علم، ثبات و ابداعی بودن علم، تناظر مراتب علم با نیازهای آدمی و پویایی علم از جمله مهمترین مبانی مورد استفاده در این نظام است.

۳. اصول تربیت اخلاقی در هر مکتب فلسفی، بایدها و نبایدهایی را برای امر تربیت اخلاقی تجویز میکند که بعنوان چارچوب راهنمای عمل تربیتی مورد استفاده مریبان و دست اندرکاران امر تربیت اخلاقی واقع میشود. از اینرو بدون فهم و دریافت درست اصول، نمیتوان در امر تربیت اخلاقی بطور عام و تربیت صدرایی بطور خاص موفق بود. بر این اساس میتوان اصول تربیت را در حکمت صدرایی متناظر با دیدگاه فلسفی و حکمی او بقرار زیر نتیجه گرفت:

دیدگاه فلسفی	اصل تربیتی
جسمانیه الحدوث بودن نفس	پرورش قوای حسی پیوستگی و استمرار تربیت اخلاقی
حرکت جوهری نفس	تغییر، اصلاح و بازآفرینی خودآفرینی متربی
اصالت وجود	اندیشه ورزی خلاق
اتحاد عالم و معلوم	پرورش جسم علاوه بر نفس تأثیر ظاهر بر باطن و تغییر ظاهر تأثیر باطن بر ظاهر و تغییر باطن
رابطه اتحادی نفس و بدن	جامعیت - تناسب
وحدت نفس و تشکیک وجود	توجه به تفاوت‌های فردی تطور وسع آدمی
ابطال تناسخ و تشکیک وجود	تعقل
روحانیه البقا بودن نفس و تجرد عقلانی	

۴. روش تربیتی به موقعیت اختصاص دارد و متناسب با موقعیت باید از روشهای خاصی برای رسیدن به اهداف تربیتی بهره برد. بنابراین اصول و روشها از یک سنخند و این دستورات عملها هستند که طریق نیل به مقصد و مقصود را آشکار میکنند، با این تفاوت که اصول همانا دستورات عملهای کلی و روشها، حاوی دستورات عملهای جزئیترند. از اینروست که روشهای مطرح در حکمت صدرایی بر اساس پرورش حس، پرورش تخیل و پرورش عقل به سمت بکارگیری فعال حواس، پرورش و جهتدهی خلاقیت و ابداع و پرورش قوای عقلی تنظیم و بیان شده است.

منابع

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و فلسفه، ۱۳۶۰.

ابراهیمیان، حسین، معرفت شناسی از دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

باقری، خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۹۰.

مدرس، هادی، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، مدرسه، ۱۳۹۵.

پاکسرشت، محمدجعفر و دیگران، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، سمت، ۱۳۹۵.

جوادی آملی، عبدالله، شرح حکمت متعالیه، ج ۱، تهران، اسراء، ۱۳۷۵.

خسرونژاد، مرتضی و همکاران، «نظریه حرکت جوهری؛ پیامدهای فلسفی و تربیتی»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، ش ۲۹، ۱۳۸۷.

رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

سیاسی، علی اکبر، علم النفس یاروانشناسی از لحاظ تربیت، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸.

سیف، علی اکبر، روانشناسی تربیتی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.

طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی،

۱۳۸۶. - - - - - قرآن در اسلام، بکوشش هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

کول، وینتا، آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران، سمت، ۱۳۹۲.

مشکوة الدینی، عبدالحسین، تأثیر و مبادی آن یا کلیات فلسفه طبیعی صدرالدین شیرازی، مشهد، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۷.

مصلح، جواد، علم النفس یا روانشناسی صدرالمتألهین، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

ملاصدرا، اجوبة المسائل، تصحیح و تحقیق عبدالله شکیبا، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۷۸.

- - - - - اسرار الآیات، محمدخواجوی، تهران، انتشارات مولی، ج ۳، ۱۳۸۹.

- - - - - الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۱، تصحیح و مقدمه غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۳.

- - - - - الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۲، تصحیح و مقدمه مقصود محمدی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۲.

- - - - - الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۸، تصحیح و مقدمه علی اکبر رشاد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۳.

- - - - - الشواهد الربوبیة، ترجمه جواد مصلح، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶.

- - - - - الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، تصحیح و مقدمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۱.

- - - - - تفسیر القرآن الکریم: تفسیر آیه الکرسی و آیه النور، تصحیح و مقدمه محمدخواجوی، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۰.

- - - - - رساله سه اصل، تصحیح، تحقیق و مقدمه سیدحسین نصر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۰.

- - - - - کسراصنام الجاهلیة، تصحیح و مقدمه محسن جهانگیری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۱.

- - - - - معرفة النفس والحشر، ترجمه اصغر طاهرزاده، اصفهان، دفتر نشر جنگل، ۱۳۷۰.

- - - - - مفاتیح الغیب، ترجمه محمدخواجوی، تهران، مولی، ۱۳۷۱.

نوروزی، طاهره، تأثیر تهذیب نفس بر معرفت از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.

هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.